



بیانات در دیدار صدها نفر از مردم اصفهان - 28 / آبان / 1401

بیانات در دیدار مردم اصفهان در ایام سالگرد حماسه و ایثار مردم اصفهان و تشییع شهدای عملیات محرم در شهر اصفهان (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقیة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز؛ نمونه‌ای از مردم عزیز اصفهان که حقیقتاً شایسته‌ی تمجیدند، همچنان که جناب آقای طباطبائی‌نژاد بدرستی بیان کردند. من خیلی خوشحالم از اینکه بار دیگر توانستیم شما را در این حسینیّه زیارت کنیم؛ بخصوص خانواده‌ی معظم شهدا و ایثارگران که تشریف دارند. و از همین جا به همه‌ی مردم اصفهان سلام میرسانم و درود میفرستم و از زحماتشان، از ایمانشان، از جهادشان، از خصوصیات ویژه‌ی اصفهانی‌شان تشکر میکنم.

امروز، به مناسبت سالگرد بیست و پنجم آبان، (۲) این اجتماع در اینجا تشکیل شده؛ [لذا] من چند جمله در باب این قضیه‌ی بسیار مهم و کلاً حرکت اصفهانی‌ها در باب جهاد و شهادت عرض میکنم؛ یک مطلب و یک جمله‌ای در باب نگاه کلان ما و انقلاب و کشور به جبهه‌گیری ایران و استکبار، و دربارہ‌ی چیستی و چگونگی این مواجهه و مقابله عرض خواهم کرد؛ بعد هم یک اشاره‌ای به قضایای اخیر جاری کشور و اغتشاشات و مانند اینها عرض میکنم.

اما در مورد اصفهان، مناقب اصفهان یکی دو تا نیست؛ اصفهان شهر علم است، شهر هنر است، شهر جهاد است، شهر زنده است. در باب علم، شاید در این چهارصد سال اخیر، تعداد علمای بزرگ اصفهان در فقه و در فلسفه و در حدیث و در تفسیر و امثال اینها - که اهمیّتشان و ارزششان و شهرتشان مربوط به خصوص اصفهان نیست؛ بعضی همه‌ی دنیای اسلام را و بعضی همه‌ی ایران را فراگرفته - را اگر بخواهیم اسم بیاوریم، فقط اسمشان را اگر بنویسیم، یک کتاب قطور خواهد شد. بزرگان علمای ما حتی تا زمان نزدیک به ما، مثل مرحوم آقای نائینی، مرحوم آسیدابوالحسن اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی، همه‌ی بزرگان علم دورانهای مختلف قبل از اینها تا حدود چهارصد سال، اصفهانی‌اند. خب شهر علم است دیگر؛ یعنی تربیت‌کننده است؛ نه فقط در فقه، در فلسفه هم همین جور است. بعضی هم اصفهانی نیستند، لکن در اصفهان رشد کردند، در اصفهان بُروز کردند، اصفهان اینها را رو آورد. این، خصوصیت اصفهان است.

شهر ایمان و محبت به اهل بیت است؛ این از جمله‌ی خصوصیات است که کمتر به آن توجه شده. بنده از قدیم، از اواخر سالهای دهه‌ی ۳۰ و دهه‌ی ۴۰ و مانند اینها، به اصفهان زیاد رفت و آمد میکردم؛ نظر بنده را جلب کرد این معنا که اصفهانی‌ها اهل توسلند، اهل تضرّند، اهل توجّهند؛ این ناشی از ایمان است. حالا مثلاً فرض بفرمایید در مشهد ما در آن سالها یک دعای کمیلی تشکیل میشد که آن را هم اتفاقاً یک عالم اصفهانی تشکیل میداد؛ مرحوم کلباسی در مشهد بود و دعای کمیل [میخواند]. شاید آن عده‌ای که پای منبر ایشان برای دعای کمیل جمع میشدند، به بیست نفر نمیرسیدند. حالا من احتیاطاً میگویم بیست نفر؛ شاید هشت تا ده نفر مثلاً دعای کمیل



میخواندند. همان وقتها در اصفهان [مجلس] دعای کمیل مرحوم حاج آقا مهدی مظاهری در مسجد سید، پُر میشد از جمعیت؛ این، مقایسه‌ی بین مشهد و اصفهان. در مورد مجالس عزاداری، در مورد مجالس مربوط به ائمه (علیهم السلام) و از این قبیل، هر چه انسان بگوید واقعاً کم است؛ شهر ایمان است.

پس هم شهر علم است، هم شهر ایمان است، هم شهر هنر است؛ انواع هنرهای گوناگون مطلوب ایرانی در اصفهان هست. شهر میراث‌های ارجمند و ارزشمند هنری است. بنده یادم نمی‌آید نظیر این میراث هنری‌ای که ما در اصفهان داریم، در هیچ جای دیگر وجود داشته باشد. اینها همه برجستگی‌های مردم اصفهان است؛ یک شهری با هویت کامل ایرانی و اسلامی. به نظر من این مستندسازهای خوب ما که الحمدالله زیاد هم هستند، میتوانند از اینها - با آن تکه‌ای که بعداً عرض خواهم کرد - برای اصفهان فیلم‌های مستند متعددی بسازند که همه چشم‌نواز و دل‌نواز خواهد بود.

و اما هویت انقلابی؛ حالا آن [هویت] علمی و ایمانی و هنری را عرض کردیم، [میرسیم به] هویت انقلابی. البته در خیلی از شهرهای کشور ما پیش از انقلاب تلاش‌های انقلابی بود، خوب هم بود، قوی هم بود، اما اصفهان برتری داشت؛ اقلاً یکی از برترین شهرهای انقلابی بود؛ اگر نگوئیم برترین شهر بود، لاقلاً یکی از برترین‌ها بود. اولین شهری که زمان رژیم طاغوت حکومت نظامی شد اصفهان بود؛ هیچ جا قبل از اصفهان حکومت نظامی نشده بود، اصفهان حکومت نظامی شد. [این] نشان‌دهنده‌ی آن بود که مردم بیشتر از دیگران در تلاشند. در دفاع مقدس، دو لشکر نام‌آور و خط‌شکن [داشت]: لشکر امام حسین (علیه السلام) که فرمانده معروفش شهید خرازی بود و لشکر نجف که آن هم فرمانده معروف و شهیدش شهید احمد کاظمی بود. بعد از شهادت خرازی و مدتی بعد از اینکه شهید کاظمی از لشکر نجف رفت، فرماندهان برجسته‌ی دیگری این دو لشکر را اداره کردند؛ دلاوران واقعاً برجسته‌ای که ما خیلی از اینها را از نزدیک شناختیم و دیدیم. خب، استان اصفهان بر اثر همین مجاهدتها در حدود ۲۴ هزار شهید دارد، که حدود ۷۵۰۰ شهید در گلستان شهدای شهر اصفهان مدفونند. اینها یک رقم‌های عجیبی است، اینها یک نشانه‌های بزرگی است. ده‌ها هزار جانباز، چند هزار آزاده؛ اینها سند افتخار اصفهان است. اینها وظیفه درست میکنند برای شما؛ نمیخواهیم فقط مدّاحی کنیم؛ نگه داشتن این عظمتها و آثار بزرگ، وظیفه‌ی یکایک افراد باوجدان است.

و اما مناسبت بیست‌وپنجم آبان؛ روز بیست‌وپنجم آبان، حدود ۳۶۰ شهید در اصفهان تشییع شدند. چطور طاقت بیاورد یک شهر؟ ۳۶۰ شهید! آن فرماندهانی که این شهدا جلوی چشم آنها شهید شدند، خودشان مانده بودند که چه جوری این شهدا را بیاورند اصفهان تشییع کنند؛ این قدر این حادثه، حادثه‌ی بزرگ و عجیبی بود! به نظرم اگر هر جای دنیا یک روز ۳۶۰ جوان به خون‌آغشته را بیاورند در میان مردم و تشییع کنند، آن شهر آن روز فلج میشود، از پا می‌افتد؛ اصفهان فلج نشد. در خبرهای ما و گزارشهای مسلم ما این هست که همان روز عصر، عده‌ی زیادی از جوانها و روزهای بعد عده‌ی زیادتری به طرف جبهه‌ها حرکت کردند؛ همان شب، کاروان عظیم پشتیبانی از شهدا از اصفهان راه افتاد. حالا [اگر] امروز ۳۶۰ شهید آوردند، مردم باید بنشینند مشغول عزاداری [بشوند]، دیگر حواسشان به جبهه نیست؛ نخیر، همان روز و روزهای بعد، جمعیت راه افتادند. این روحیه را ببینید! این انگیزه را ببینید! خانواده‌های دو شهید، خانواده‌های سه شهید، خانواده‌های چهار شهید، چند خانواده‌ی پنج شهید، چند خانواده‌ی شش شهید، یک خانواده‌ی هفت شهید! اینها مال اصفهان است؛ اینها هویت انقلابی و جهادی اصفهان را برای ما تشریح میکنند. بخشی از مناقب اصفهان اینها است؛ اصفهان بیش از این حرف دارد. در این چهار دهه هم هر وقت لازم شده است، اصفهان سینه سپر کرده آمده جلو؛ مردم اصفهان در هیچ قضیه‌ای عقب‌نشینی نکردند. بنده بعضی از قضایا را بخصوص یادم هست؛ حالا نمیخواهم یادآوری کنم و اسم بیاورم. آن چنان زنده، با یک اشاره و با یک



توجه، بارها وارد میدان شدند، یک فتنه را خاموش کردند.

البته این خصوصیات مردم اصفهان ربطی به گلایه‌های اصفهانی‌ها ندارد. این [مطلبی] که آقای طباطبائی فرمودند، درست است، حق با ایشان است؛ مسئله‌ی آب اصفهان مسئله‌ی مهمی است. بنده هم دنبال این قضیه بوده‌ام؛ دوستان متعددی نامه نوشتند، ما هم ارجاع کردیم، دنبال‌گیری کردیم، اخیراً هم من دنبال‌گیری کردم، الحمدلله مشغولند؛ یعنی کارهای خوبی دارد انجام می‌گیرد؛ پنج شش اقدام که حالا مثلاً ممکن است گفته بشود بعضی از اینها بلندمدت است؛ خوب باشد، بالاخره دارد کار انجام می‌گیرد، دارد پیش می‌رود و ان شاءالله حل خواهد شد. من حالا به مسئولین محترم دولتی که واقعاً هم تلاش میکنند، کار میکنند، سفارش میکنم که در این زمینه هر چه ممکن است بیشتر تلاش کنند، هر چه ممکن است سریع‌تر کار کنند؛ یعنی واقعاً مردم اصفهان شایسته‌ی این هستند که ما شب و روز شناسیم برای خدمت به اینها.

خب، حالا این درباره‌ی اصفهانی‌ها بود. شهرهای دیگر کشور هم هر کدام به نحوی ارزشهایی آفریده‌اند؛ نمیخواهیم فقط روی اصفهان تکیه کنیم. البته همه یک جور نبودند، در یک سطح نبودند؛ بعضی جلوتر بودند، اصفهان جزو جلوترین‌ها است. جاهای دیگر هم تلاشهای خوبی انجام گرفته. این تلاشهای همه‌جانبه‌ی مردم در سراسر کشور موجب شد که ما در یکی از آزمایشهای کم‌نظیر [پیروز شویم]. دفاع هشت‌ساله یک آزمایش کوچکی نبود، حادثه‌ی خیلی مهمی بود؛ خیلی از جوانهای ما میدانند چه اتفاقی افتاد. هشت سال همه‌ی قدرتهای دنیا یک طرف، ایران یک طرف! خوب حالا مثلاً در بعضی از جاها یک حوادثی هست و به یک کشوری حملاتی میشود که اولاً به آن وسعت نیست که در ایران بود، ثانیاً بالاخره کسانی هستند که به آنها کمک میکنند؛ ما را هیچ کس کمک نمی‌کرد. ناتو همراه صدام بود، آمریکا بخصوص همراه صدام بود، شوروی سابق همراه صدام بود، بعضی از کشورهای اروپا که خیلی وابستگی به شوروی نداشتند، وابستگی به آمریکا هم نداشتند، همراه صدام [بودند]، مثل یوگسلاوی؛ من رفتم از نزدیک دیدم دیگر؛ (۳) اینها هم طرف او بودند؛ یعنی همه‌ی دنیا یک طرف بود و جمهوری اسلامی یک طرف. خوب در این جنگ، با همین حرکت مردم، با همین انگیزه‌های مردم، آن هم با دست خالی، ایران توانست پیروز بشود. ما در جنگ هشت‌ساله یک پیروزی کامل و درخشان پیدا کردیم. پیروزی پیدا کردیم، لکن قضیه تمام نشد. من حالا اینجا میخواهم وارد این بحث دوّم بشوم: مسئله‌ی نگاه کلان به چالش ایران اسلامی و مستکبرین، دستگاه استکبار، دنیای استکبار.

این را من خواهش میکنم توجه کنید: از نظر جبهه‌ی استکبار، مشکل اینجا است؛ مشکل استکبار با جمهوری اسلامی این است که اگر جمهوری اسلامی، این نظام، پیشرفت بکند، رونق بگیرد، جلوه کند در دنیا، منطق لیبرال‌دموکراسی دنیای غرب باطل خواهد شد. من اتفاقاً این بحث را در اصفهان یک بار کردم؛ در بین جمعیت عظیم در میدان بزرگ اصفهان، راجع به این [بحث] یک اشاره‌ای کردم. (۴) با منطق لیبرال‌دموکراسی، غربی‌ها توانستند حدود سه قرن همه‌ی دنیا را غارت کنند؛ یک جا گفتند اینجا آزادی نیست، وارد شدند؛ یک جا گفتند دموکراسی نیست، وارد شدند؛ به بهانه‌ی ایجاد دموکراسی و به بهانه‌هایی مانند این، اموال آن کشور را، خزائن آن کشور را، منابع آن کشور را غارت کردند بردند؛ اروپای فقیر ثروتمند شد، به قیمت به گِل نشستن بسیاری از کشورهای ثروتمند مثل هند. هند را اینها بیچاره کردند؛ شما این کتاب نهر و - نگاهی به تاریخ جهان - را اگر بخوانید درست توجه میکنید که چه اتفاقی افتاده؛ و خیلی کشورهای دیگر؛ چین را، جاهای دیگر را [بیچاره کردند]. حالا ایران، استعمار مستقیم به آن صورت نشد، اما اینجا هم هر چه توانستند کردند، با منطق لیبرال‌دموکراسی؛ یعنی گفتند آزادی و دموکراسی، آزادی



و مردمی؛ با این عنوان، کشورها را تسخیر کردند؛ هم علیه آزادی، هم علیه مردمی بودن کشورها، هر چه توانستند کردند.

یک نمونه‌اش جلوی چشم شما همین افغانستان است. ۲۱ سال قبل از این آمدند افغانستان برای اینکه دولتی را که ادعا میکردند مردمی نیست و آزادی در آن نیست، شکست بدهند؛ آمریکایی‌ها آمدند بیست سال در افغانستان جنایت کردند، انواع و اقسام جنایتها را انجام دادند، هر چه توانستند دزدیدند، بردند، خوردند، کشتند، نابود کردند، خانواده‌ها را از بین بردند، اخلاقها را خراب کردند، بعد از بیست سال همان حکومتی که علیه او وارد شده بودند آمد سر کار، افغانستان را دادند به او، با این فضاقت خارج شدند! این یک نمونه‌ای است که امروز جلوی چشم شما جوانها است.

سیصد سال، اول اروپایی‌ها، بعد هم آمریکایی‌ها، با منطق لیبرال‌دموکراسی حرکت کردند. حالا اگر یک حکومتی و یک نظامی در دنیا به وجود بیاید که منطق لیبرال‌دموکراسی را رد کند و با یک منطق واقعی به مردم کشورش هویت بدهد، آنها را زنده کند، آنها را بیدار کند، آنها را قوی کند و در مقابل لیبرال‌دموکراسی بایستد، این، منطق لیبرال‌دموکراسی را ابطال میکند؛ و این، جمهوری اسلامی است. لیبرال‌دموکراسی بر پایه‌ی نفی دین بنا شده بود، و جمهوری اسلامی بر پایه‌ی دین بنا شده؛ آنها ادعای مردمی بودن کردند، و جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه یک نظام مردمی است.

البته پیدا است که در تبلیغاتشان و در تلویزیون‌هایشان انکار میکنند، اما قبول دارند، خودشان میدانند. این هم که می‌بینید اینجا یک عده‌ای میگویند آزادی نیست، مردمی نیست، و مانند این حرفها، به دهن آنها نگاه میکنند؛ والا دلیل بودن آزادی این است که خود اینها دارند همین حرفها را علیه نظام میزنند، و کسی هم به آنها کار ندارد. دلیل مردمی بودن این است که از بعد از رحلت امام تا امروز، این دولتهایی که سر کار آمدند، هیچ دو دولتی از لحاظ فکری شبیه هم نبودند. یک دولت آمده، دولت بعدی با یک تفکر دیگری سر کار آمده؛ خوب پیدا است که آزادی فکری است. مردم آزادند، انتخاب میکنند؛ یک وقت این را انتخاب میکنند، یک وقت آن را انتخاب میکنند.

پس مشکل غرب و استکبار با جمهوری اسلامی این است که جمهوری اسلامی دارد پیشرفت میکند، دارد رونق میگیرد، و این پیشرفت را همه‌ی دنیا دارند می‌بینند و به آن اعتراف میکنند، و این برای غرب غیر قابل تحمل است؛ این را حاضر نیست تحمل کند؛ مشکل اینجا است. مشکل اینجا است که ایران دارد پیشرفت میکند. اگر ما پیشرفت نمی‌کردیم، اگر ما حضور قدرتمند در منطقه از خودمان نشان نمیدادیم، اگر ما در مقابل آمریکا و استکبار صدایمان میلرزید، حاضر بودیم زورگویی آنها و قلدری آنها را قبول بکنیم، این فشارها کمتر میشد. البته می‌آمدند تسلط پیدا میکردند، اما دیگر تحریم و این فشارها و این چالشهای این جوری کم میشد. هر وقت صدای قدرتمندی جمهوری اسلامی بلندتر بوده – چون در این سالها اوضاع مختلف بوده؛ خودتان میدانید – تلاش دشمن برای پنجه زدن به جمهوری اسلامی بیشتر بوده.

پس چالش اساسی برای امروز ما در کشور، چالش پیشرفت و توقف و رکود است؛ یا بگوییم چالش پیشرفت و ارتجاع؛ چون توقف عقب رفتن است و هر کسی که توقف کند در واقع دارد عقب میرود؛ چون دنیا در حال حرکت به جلو است، اگر شما ایستادید، عقب میمانید. مسئله این است: ما داریم پیشرفت میکنیم، دنبال پیشرفتم،



میخواهند این نباشد. همه‌ی قدرتهای استکباری دنیا که عمدتاً آمریکا و اروپا است، در مقابل این حرکت پیشرفت جمهوری اسلامی حرص میخورند، مضطرب میشوند، ناراحت میشوند، لذا وارد میدان میشوند و هر کاری از دستشان برمی‌آید میکنند؛ البته هیچ غلطی هم نمیتوانند بکنند؛ تا حالا هم نتوانسته‌اند، بعد از این هم نمیتوانند.

در این کارزار، در خط مقدم دشمن، آمریکا قرار دارد؛ علت اینکه ما روی آمریکا تکیه میکنیم و اصرار داریم، این است که آمریکا در خط مقدم است؛ دیگران هم هستند اما پشت سر آمریکا. همه‌ی رؤسای جمهور آمریکا در این سالهای متمادی این چند دهه‌ی انقلاب، در این خط مقدم با جمهوری اسلامی جنگیده‌اند؛ حالا کجا هستند؟ بعضی نابود شدند، تلف شدند، از بین رفتند، بعضی هم در زباله‌دان تاریخ افتادند، ولو زنده هم باشند؛ از کارتر و کلینتون و اوبامای دموکرات بگیرد تا ریگان و بوش جمهوری خواه تا آن سبک مغز قبلی (۵) و تا این بنده‌خدای بی‌هوش و حواس فعلی (۶) که میخواهد ایران را نجات دهد، مردم ایران را نجات بدهد، همه‌ی اینها بی‌استثنا در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده‌اند، و هر کسی از دوستان خودشان را هم که نتوانسته‌اند به کار گرفته‌اند؛ بالخصوص رژیم صهیونیستی را تحریک کردند، کمک کردند. حالا گفته میشود که رژیم صهیونیستی، رژیم غاصب، آنها را تحریک میکند؛ بله، ممکن است در مواردی هم این جور باشد، اما [رژیم صهیونیستی] سگ زنجیری آنها است، سگ‌ها آنها در منطقه است، وظیفه‌اش این است که در منطقه افساد کند، فشار بیاورد، بعضی از دولتهای دیگر منطقه هم متأسفانه با او همراهی کردند. البته ضربه‌هایی هم وارد کردند - نه اینکه هیچ [کاری نکردند] - اما مجموعاً ناکام ماندند، نتوانستند متوقف کنند جمهوری [اسلامی] را. هیچ کدام از طرحهایشان پیش نرفت، یعنی به آن نتیجه‌ی مقصود خودشان نرسید؛ بله، یک مشکلاتی ایجاد کردند، اما مقصودشان حاصل نشد؛ نه تحریم، نه ترور دانشمندان، نه رشوه دادن به بعضی‌ها که علیه جمهوری اسلامی در داخل حرف بزنند، نه انواع شگردهای سیاسی و امنیتی‌شان، هیچ کدام نتوانست عامل حرکت و پیشرفت و استقامت ملت ایران را از کار بیندازد.

خب، حالا ما در مقابل یک چنین وضعی قرار داریم. من عرض میکنم وظیفه‌ی همه‌ی ما - هم مسئولین کشور، هم آحاد مردم، هم روشنفکران جامعه، هم جوانان فعال و نخبگان جامعه، هم جوامع علمی؛ چه حوزه‌ی علمی، چه دانشگاه‌ها - این است که بدانیم باید پیشرفت کنیم. امروز پیشرفت وظیفه‌ی ما است؛ در همه‌ی زمینه‌ها. باید پیشرفت کنیم؛ باید پیشرفت علمی کنیم، باید پیشرفت هنری کنیم، باید پیشرفت اقتصادی کنیم، باید پیشرفت سیاسی کنیم؛ این پیشرفتهای نظام را مستحکم میکند، به نظام اقتدار میدهد. وقتی شما اقتدار پیدا کردید، دشمن نمیتواند نگاه چپ به شما بکند. هدف دشمن این است که ارکان اقتدار را متزلزل کند؛ می‌بینید دیگر؛ نمیخواهند نظام مقتدر باشد. ما همه باید پیشرفت را دنبال کنیم، چون پیشرفت ما را مقتدر میکند، ما را خودکفا میکند، ما را مستحکم میکند. اگر چنانچه این پیشرفتهای علمی، هم پیشرفت معنوی و اخلاقی، هم پیشرفت اقتصادی، هم پیشرفت سیاسی - ادامه پیدا کند که بحمدالله تا حالا [چنین] بوده، دشمن مضطرب میشود؛ دشمن از این بسیار بیمناک است و خب هر چه تلاش دارد به کار میبرد که نگذارد.

حالا چه جوری پیشرفت کنیم؟ خب ابزارهای پیشرفت خیلی است، ابزارهای گوناگونی است؛ من فقط به یک نکته‌ی مهم می‌خواهم اشاره کنم و آن، امید است. امید مهم‌ترین ابزار پیشرفت است و دشمن روی این متمرکز شده؛ دشمن از همه‌ی توان دارد استفاده میکند برای القای ناامیدی، برای القای بن‌بست. یک جوانی هم که با مسائل دنیا آشنا نیست، گاهی می‌بیند تحت تأثیر قرار میگیرد، او هم مأیوس میشود؛ وقتی مأیوس شد، کار نمیکند. پیشرفت احتیاج دارد به امید. دشمن روی امید ملت ایران متمرکز است. این امکانات گسترده‌ای که دشمن به کار گرفته، این



رسانه‌ها، این ماهواره‌ها، این فضای مجازی عجیب و غریب، این تلویزیون‌های مزدور مأجور، (۷) همه‌ی اینها برای این است که این امید را در مردم بکشند. خوشبختانه امید زنده است – حالا من یک اشاره‌ای خواهم کرد – اما می‌خواهند نگذارند جوانهای ما امیدوار بمانند، نگذارند مسئولین ما امیدوار بمانند؛ اینها حتی به مسئولین هم طمع دارند که امید را از آنها بگیرند. خب، حالا یک امتدادی هم متأسفانه در داخل دارند؛ من ناچارم این را بگویم. آدم دلش نمی‌خواهد چنین واقعیتی وجود داشته باشد، اما هست؛ اینها در داخل امتداد دارند. امتداد آنها هم همین القای یأس، القای ناامیدی که «فایده‌ای ندارد»، «به جایی نمی‌رسیم»، «چه کار می‌خواهیم بکنیم» است؛ از این حرفها می‌شنوید. در داخل هم فلان روزنامه، فلان فعال فضای مجازی، متأسفانه از این چیزها دارند؛ اینها هم امتداد آنها هستند.

خب، حالا در مقابل القای آنها یک واقعیتی وجود دارد. آن واقعیت این است که ما داریم پیش می‌رویم، ما داریم جلو می‌رویم. [البته] مشکل اقتصادی داریم – من نمی‌خواهم نفی کنم، انکار کنم مشکلات اقتصادی را؛ آن هم ان شاء الله حل خواهد شد – لکن در بخشهای مختلف دیگر، ما بحمد الله دائم در حال پیشرفتیم، در حال جلو رفتیم. نمی‌خواهند بگذارند که بخصوص نسل جوان از این پیشرفتها مطلع بشود، لذا آنها را کتمان میکنند. در همان امتداد داخلی [آنها] هم که گفتم، همین جور است؛ خیلی از پیشرفتهای ما کتمان میشود یا کوچک‌نمایی میشود.

حالا آنچه من یادداشت کرده‌ام به شما بگویم [این است]: در همین چند هفته‌ای که حالا در بعضی از خیابانها چهار نفر آدم شریر یا فریب‌خورده وارد شدند و اغتشاش درست کردند، در همین اغتشاشات، کارهای بزرگی انجام گرفته که اگر مقایسه کنیم هفته‌های دیگر و ماه‌های دیگر را، یک نتیجه‌ی بزرگی به دست می‌آید؛ من حالا می‌شمرم اینهایی را که در همین چند هفته اتفاق افتاده:

دستیابی دانشمندان ایرانی به روشی جدید برای درمان سرطان خون؛ این پیشرفت است دیگر، پیشرفت مهمی هم هست، چیز کوچکی هم نیست.

بومی‌سازی یک دستگاه کلیدی برای چاه‌های نفت و گاز. یکی از ثروتهای طبیعی مهم ما نفت و گاز است؛ ما از لحاظ استخراج نفت و گاز احتیاج داریم به نوآوری، این نوآوری دارد انجام می‌گیرد؛ همین چند هفته پیش، یکی از قدمهای مهم برای این کار انجام گرفته؛ خب این کار بزرگی است.

خط آهن بخش مهمی از بلوچستان [افتتاح شد]؛ این خط آهن، از زمانهای سابق، یعنی از اوایل انقلاب – حالا قبل از انقلاب که بحثش نبوده – یکی از آرزوهای مهمی بود که ما بتوانیم یک خط شمال به جنوب درست کنیم که خط آهن بلوچستان هم جزو این است و خط شمال به جنوب است؛ یعنی ما شمال کشور را وصل کنیم به خلیج فارس و دریای عمان که از بلوچستان می‌گذرد. همین چندروزه، یک بخش مهمی از این خط آهن افتتاح شد. کار بزرگی انجام گرفته دیگر؛ این پیشرفت است.

چندین کارخانه راه افتاد؛ پالایشگاه فراسرمینی راه افتاد در یکی از کشورها؛ بهره‌برداری از شش نیروگاه برق در همین چند هفته اتفاق افتاد که شهرهایش را نوشتند مشخص کردند گزارش کردند به من، من نمی‌خواهم حالا دانه‌دانه [نام ببرم]. یکی از بزرگ‌ترین تلسکوپ‌های جهان در همین روزها رونمایی شد؛ یکی از بزرگ‌ترین تلسکوپ‌های جهان در همین ایام تمام شد، به بهره‌برداری رسید و رونمایی شد. از ماهواره‌بر رونمایی شد، از یک موشک جدید رونمایی شد و همین طور [موارد دیگر]. اینها مال همین چند هفته‌ای است که در میان اغتشاشات هم بوده؛ اگر انسان بخواهد دانه‌دانه اینها را بشمرد، خیلی میشود. نمی‌گذارند؛ نمی‌خواهند نسل جوان آشنا بشود با اینها؛ اینها را کوچک‌نمایی میکنند، تحقیر میکنند، انکار میکنند. خب ما در امکانات دفاعی خیلی پیشرفت کرده بودیم،



انکار میکردند؛ عکسش را نشان میدادند میگفتند که این فتوشاپ است، این واقعی نیست؛ حالا بعداً مجبور شدند اعتراف کنند، ناچار شدند اعتراف کنند.

خب حالا این کارهایی که من اشاره کردم، هم از لحاظ خود کار مهم است، هم از این جهت مهم است که نشانه‌ی حرکت در جامعه است؛ پس جامعه را کد نیست، در حال حرکت است، در حال پیشرفت است؛ این خیلی مهم است که جامعه در حال پیشرفت و حرکت باشد. جوان ایرانی زنده است، پُرانگیزه است، آن هم در روزهای شرارت دشمن. خب، پس شما اگر ایران دوست هستید، یکی از علائم و شاخصهای ایران دوستی شما این است که امیدآفرینی کنید؛ اگر یأس آفرینی کردید، نمیتوانید بگویید ایران دوستید. شاخص عمده‌ی ایران ستیزی یأس آفرینی است، امیدسوزی است، القای ناتوانی است، القای بن بست است؛ اینها شاخصهای ایران ستیزی است. آنهایی که ایران را دوست دارند، نقطه‌ی مقابل این، حرکت میکنند. نگذارید کسانی که دشمن ایرانند، در قالب دفاع از منافع ملی، لباس عوضی بپوشند، چهره‌ی خودشان را عوض کنند و کارهایی مانند اینها کنند؛ یعنی شاخصها را سر دست بگیرید. شما نویسنده، شما شاعر، شما عالم، شما روحانی، ایران را دوست دارید، ایران اسلامی را دوست دارید، خیلی خوب، باید امیدآفرینی کنید. اگر خلاف این سر زد، ادعا را نمیشود قبول کرد.

خب، بنابراین مسئله، مسئله‌ی پیشرفت است. من جمع بندی کنم. مشکل ما با دنیای استکبار عبارت است از اینکه ما داریم پیشرفت میکنیم و اراده داریم که پیشرفت کنیم و او پیشرفت ما را به ضرر خودش میداند؛ این عمده‌ی چالش ما [است]. ایران اسلامی از نظر آمریکا و از نظر دولتهای استکباری و مانند اینها نباید پیشرفت بکند. ما هم در مقابل میگوییم: ایران اسلامی برای اعلای کلمه‌ی اسلام باید پیشرفت کند.

و اما آن مطلب سوّم که گفتم راجع به مسائل اغتشاشات یک چند جمله‌ای عرض میکنم. صحنه گردانان اصلی که پشت صحنه هستند - غیر از این عده‌ای که در خیابانها می‌آیند؛ آنهایی که پشت صحنه، مسائل را آنها دارند میچرخانند - میخواستند مردم را بیاورند در صحنه، و حالا که نتوانستند، میخواهند شرارت کنند بلکه بتوانند مسئولین کشور را و دستگاه را خسته کنند. اشتباه میکنند؛ این شرارتهای موجب میشود مردم خسته بشوند، از آنها بیزارتر بشوند، از آنها متنفرتر بشوند. حالا که مردم از اینها - از اشرار - متنفرند، ادامه‌ی این کار موجب میشود که تنفر مردم بیشتر بشود.

مطلب اوّل اینکه حوادثی از این قبیل، خب بله برای مردم مشکل درست میکند؛ در خیابانها دکانت را باید ببندی، ماشینت را باید نگه داری، و کارهایی مانند اینها کنی و مشکلاتی درست میکند؛ جنایتهایی هم خب انجام میدهند، تخریب میکنند، کارهایی مانند اینها میکنند، لکن اینهایی که در صحنه هستند و آنهایی که پشت صحنه هستند، بسیار حقیقتاً از آن هستند که بتوانند به نظام آسیب بزنند. بدون شک، این بساط شرارت جمع خواهد شد؛ آن وقت ملت ایران با نیروی بیشتر، با روحیه‌ی تازه‌تر در میدان به پیشرفت ادامه خواهد داد. این طبیعت کار است؛ طبیعت یک ملت باایمان همین است. بله، حادثه برایش پیش می‌آید اما از حادثه که ممکن است تهدید باشد، برای خودش فرصت درست میکند؛ از حادثه، از تهدید برای خودش فرصت درست میکند. تا الان هم این جور بوده؛ از صدر اسلام هم همین جور بوده.

همین آیه‌ی شریفه‌ای که این برادرمان تلاوت کردند: **وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ**



صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ. خب جنگ احزاب، جنگ کوچکی نبود؛ تمام طوائف عرب از قریش و طائف و مکه و همه جا جمع شدند آمدند به جنگ یک شهر مدینه با چند هزار نفر جمعیت. جنگ احزاب بود، این باید دلها را بلرزاند؛ وقتی که مؤمنین این را دیدند، قالوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ [گفتند] این چیز جدیدی نیست، خدا گفته بود که می‌آیند، برایتان دشمن هست، دشمنانها می‌آیند سراغتان، آمدند؛ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا. (۸) این «وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا» همان فرصت است؛ تهدید بود، از این تهدید استفاده کردند، ایمانشان بیشتر شد؛ یعنی یک فرصتی برای ازدیاد ایمان پیدا شد. در صدر اسلام و همیشه همین جور بوده.

در قضیه‌ی دفاع مقدس [هم] همین جور؛ دفاع مقدس یک جنگ احزاب بود؛ در آن هم از همه طرف حمله کردند. ملت ایران از این تهدید، فرصت درست کرد؛ آن فرصت چه بود؟ آن فرصت این بود که به همه‌ی دنیا نشان داد که ملت ایران شکست نمی‌خورد. همه آمدند دیگر؛ آمریکا پشتیبانی کرد، اروپا پشتیبانی کرد، ناتو پشتیبانی کرد، ورشو آن روز – پیمان ورشو که مال کمونیست‌ها بود – پشتیبانی کرد از صدام، همه پشتیبانی کردند، [اما] ایران شکست نخورد؛ ملت ایران شکست نخورد؛ این شد یک سابقه؛ این فرصت است. قدرتهای دنیا هر وقت به فکر این بیفتند که به قول خودشان روی میز همه چیز دارند، همه‌ی برگهای جدید روی میز – خب، یکی از برگها، برگهای نظامی است – هر وقت به فکر این بیفتند، به یاد هشت سال جنگ تحمیلی می‌افتند؛ میدانند ملت ایران شکست نمی‌خورد. بارها ملت ایران به مخالفین خودش، به آمریکا، به دیگران گفته شما آمدنتان با خودتان است، رفتنتان دیگر با خودتان نیست! ممکن است جلو بیاید اما پابند خواهید شد، پدرتان درمی‌آید! ملت ایران از جنگ تحمیلی این استفاده را کرد. از همین بیست و پنجم آبان مردم اصفهان استفاده کردند، استفاده‌شان این بود که انگیزه‌شان بیشتر شد، همان طور که گفتم حرکت جوانهای دلاور اصفهان به سوی جبهه بیشتر شد.

در اغتشاش اخیر هم همین جور [است]؛ در این اغتشاشات هم از این به اصطلاح تهدید – که حالا آنها این را برای ملت ایران یک تهدیدی دانستند – ملت ایران استفاده کرد. چه کار کرد؟ حقیقت خودش و جهت‌گیری خودش را نشان داد؛ کجا؟ در سیزدهم آبان. سیزدهم آبان امسال با همه‌ی سالهای قبل فرق داشت. یک عده‌ی معدود به خواسته‌ی آمریکا داخل خیابانها آمدند، [اما] ملت عظیم ایران در سیزدهم آبان آمدند علیه آمریکا شعار دادند؛ یک نمونه سیزدهم آبان است. یک نمونه‌ی [دیگر] تشییع این شهدا است. یک شهید عزیز و یک جوانی به شهادت میرسد این روزها – از همین شهدای عزیزی که شهدای امنیت، شهدای بسیجی، شهدای نیروی انتظامی، آحاد مردمی که شهید میشوند – مثلاً فرض کنید شهید روح‌الله عجمیان که یک جوان ناشناخته‌ای است، [ولی] در شهادت او یک جمعیت عظیمی برای تشییع جنازه بیرون می‌آیند! عکس‌العمل مردم این است. از آن تهدید فرصت درست میکنند؛ یعنی مردم خودشان را نشان میدهند؛ می‌گویند: ما این جور هستیم. شما جوان ما را به شهادت میرسانید، همه‌ی ما پشت این جوانیم! درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که دشمن میخواهد القا کند که ملت ایران آمدند در خیابان، ملت ایران علیه فلان است، ملت ایران چنان [کرد]، [اما] ملت خودش را نشان داد. از این تهدید استفاده کرد، فرصت درست کرد.

فرصت دیگری که درست شد، چهره‌ی صحنه‌گردانها روشن شد. صحنه‌گردانها خودشان را طرفدار ملت ایران وانمود میکنند اما با همه‌ی خواسته‌ها و عقاید و مقدسات ملت ایران دشمنی کردند؛ با اسلام دشمنی کردند، مسجد سوزاندند، قرآن سوزاندند؛ با ایران دشمنی کردند، پرچم ایران را سوزاندند، به سرود ملی ایران بی‌احترامی کردند؛ چهره‌های اینها روشن شد. ادعا میکنند طرفدار ملت ایرانند، خب ملت ایران، ملت مسلمان است، ملت قرآن است،



ملت امام حسین است. تو به امام حسین اهانت میکنی، بددهنی میکنی، بی‌حیائی میکنی، تو طرفدار ملت ایرانی؟ به اربعین اهانت میکنی، به راهپیمایی میلیونی اربعین اهانت میکنی، تو طرفدار ملت ایرانی؟ خب، چهره‌ی صحنه‌گردانان واقعی این اغتشاش هم روشن شد. بنابراین یکی از مطالبی که در این مسئله‌ی این اغتشاشها میتوان گفت، این است که ملت ایران از این تهدید، فرصتهای متعددی برای خودش درست کرد.

مطلب دیگر در مورد نوع برخورد با عناصر صحنه‌گردان است. یک بخش صحنه‌گردانها هستند، یک بخش فریب‌خورده‌ها هستند، یک بخش پول‌گرفته‌ها هستند، بعضی‌ها جنایت کردند؛ همه‌ی اینها یک جور نیستند. آن کسی را که فقط فریب‌خورده است و جنایتی نکرده، باید متنبّه کرد، باید موعظه کرد، باید هدایت کرد - چه دانشجو باشد، چه غیر دانشجو باشد، چه در خیابان باشد، چه در دانشگاه باشد - باید از او پرسید: این حرکت تو کمک به پیشرفت ایران است یا ضدّ پیشرفت ایران است؟ فکر کند دیگر. این مال فریب‌خورده است. او را باید وادار کنید به فکر کردن. آن کسی که بی‌توجه به خواسته‌ی دشمن با او همراهی میکند، باید بیدارش کرد. باید گفت: «دشمن آنجا است؛ حواست باشد با دشمن هم‌صدایی نکنی». به تعبیر امام (رضوان الله علیه) «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید.» (۹) خب، این مال آن جوان فریب‌خورده است.

اما آن کسی که عامل جنایت است یا قتل یا تخریب یا تهدید - کاسب را تهدید کند که باید تعطیل کنی، وّالا دکانت را آتش میزنیم؛ ماشین‌سوار را تهدید کند که بایستی یا بایستی یا باید بوق بزنی یا کارهایی مانند اینها کنی، وّالا ماشینت را چنان میکنیم؛ عامل تهدید - اینها بایستی مجازات بشوند؛ به اندازه‌ی گناه خودشان باید مجازات بشوند. عامل قتل یک جور، عامل تخریب یک جور، آن کسی که اینها را با تبلیغات وادار به این کارها میکند یک جور؛ هر کدام به اندازه‌ی خودشان باید مجازات بشوند. البته اینجا عرض بکنیم که مجازات به وسیله‌ی قوه‌ی قضائیه است. هیچ کس خودسرانه حق ندارد به خیال خودش کسی را مجازات کند، نه؛ قوه‌ی قضائیه هست، با قدرت، بحمدالله سرپا و زنده و پُرانگیزه هم هست؛ باید اینها را مجازات کنند. پس ما، هم نصیحت داریم، هم مجازات داریم؛ مثل پیغمبر، و روش رسول الله. امیرالمؤمنین درباره‌ی پیغمبر میفرماید: طیبٌ دَوَّارٌ طَبِيبٌ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ؛ (۱۰) هم مرهمش را آماده کرده برای مرهم‌نهی روی زخم، هم آن داغ را. قدیمها زخمهایی را که خوب نمیشد، داغ میکردند؛ یک آهنی را میگذاشتند در آتش، سرخ که شد، بگذارند روی زخم که خوب بشود. [امیرالمؤمنین] میگوید پیغمبر، مرهم آماده کرده، آن را هم داغ کرده؛ هر دو آماده است. به تعبیر سعدی:

درشتی و نرمی به هم در به است

چو رگ‌زن که جراح و مرهم‌نه است (۱۱)

هم جراحی میکند، هم مرهم میگذارد؛ هر دو باید انجام بگیرد. خب، این هم یک مطلب.

یک مطلب دیگر اینکه تا این ساعت بحمدالله دشمن شکست خورده. قصد دشمن این بود که مردم را وارد میدان کند، مردم نشان دادند که با دشمن همراه نیستند. البته دشمن در رسانه‌ها لشکرسازی میکند؛ لشکرسازی کاذب، انبوه‌سازی دروغ. می‌بینید در رسانه‌های گوناگون دشمن، جوری وانمود میکند که آدم غافل و بی‌خبر تصور میکند که واقعاً یک خبری است؛ [در حالی که] واقع قضیه این نیست. آنچه انبوه است، آنچه عظیم است، حضور مردم در خدمت انقلاب و در میدانهای انقلاب است؛ این بله، این خیلی عظیم است؛ اما آن طرف نه. خواستند مردم را وارد کنند، [اما] مردم زدند توی دهنشان. البته من عرض بکنم: دشمن هر روز یک کیدی دارد، یک مکرری دارد؛ اینجا شکست خورد، معلوم نیست که دست بردارد، میرود سراغ جاهای دیگر؛ میرود سراغ اقشار، میرود سراغ کارگران،



می‌رود سراغ زنان. البته بانوان باسرف ما، کارگران باسرف ما شأنشان خیلی بالاتر از این است که تسلیم دشمن بشوند و فریب دشمن را بخورند؛ این مسلم است.

پس بنابراین هدف دشمن آن چیزی بود که برایش حاصل نشد؛ منتها آن چیزی که واقعیت جامعه است، این است که ما مشکلات داریم؛ مشکلات داریم. مهم‌ترین مشکل ما هم امروز علی‌العجاله مشکل اقتصادی است. می‌بینید بنده سالها است شعار سال را یک نکته‌ی اقتصادی قرار میدهم و از مسئولین درخواست میکنم که بروند سراغ حل این مشکل و پیگیری این نقطه. دهه‌ی ۹۰، از لحاظ اقتصادی دهه‌ی خوبی نبود برای ما. مشکلاتی برای ما به وجود آمد. اگر چنانچه همان نصیحت‌ها را، همان کارهایی را که حالا بنا است انجام بدهند ان شاء الله و انجام میدهند، آن روز انجام داده بودند، امروز وضع ما بهتر بود. بالاخره تحریم مؤثر است، برخی از تدبیرها مؤثر است، مدیریتها مؤثر است؛ همه‌ی اینها مؤثر است. من می‌بینم - حالا آنچه انسان مشاهده میکند - مسئولین واقعاً در تلاشند، جداً دارند تلاش میکنند، دارند کار میکنند، کارهایشان هم در موارد بسیاری مؤثر است، در همین وضع اقتصادی هم مؤثر است اما خب مشکل اقتصادی هست. امروز البته کشورهای مختلف دنیا هم، مشکل اقتصادی را دارند، ما هم داریم. باید تلاش کنیم ان شاء الله این مشکل را برطرف کنیم. این با همکاری مردم با مسئولین، همکاری ملت با دولت، هم‌نقسی، همدلی، هم‌افزایی ان شاء الله پیش خواهد آمد و در زمینه‌ی اقتصاد هم ملت ایران به توفیق الهی مشتی به دهان دشمن خواهد زد.

امیدواریم که خدای متعال شما مردم عزیز را مشمول رحمت و برکت خودش قرار بدهد. امیدواریم ان شاء الله مردم اصفهان روزبه‌روز خوشبخت‌تر، سرزنده‌تر، آماده‌تر و در صفوف مقدم انقلاب ان شاء الله حاضرتر باشند. امیدواریم روح مطهر امام از ما، از شما راضی باشد؛ ما هم بتوانیم آنچه وظیفه‌مان هست در مقابل این مردم عزیز، مردم خدم انجام بدهیم؛ ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- 1) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین سیددیوسف طباطبائی‌نژاد (نماینده‌ی ولی‌فقیه و امام‌جمعه‌ی اصفهان) مطالبی بیان کرد.
- 2) در بیست‌وپنجم آبان سال ۱۳۶۱، تعداد ۳۷۰ شهید اصفهانی عملیات محرم با حضور پُرشکوه مردم در شهر اصفهان تشییع شدند.
- 3) اشاره به سفر معظم‌له به یوگسلاوی در اسفندماه ۱۳۶۷
- 4) بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم اصفهان (۱۳۸۰/۸/۸)
- 5) دونالد ترامپ
- 6) جو بایدن
- 7) اجیرشده
- 8) سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۲
- 9) صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱؛ سخنرانی در جمع پاسداران تهران (۱۳۵۸/۹/۴)
- ۱۰) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۰۸
- ۱۱) سعدی. گلستان، باب هشتم